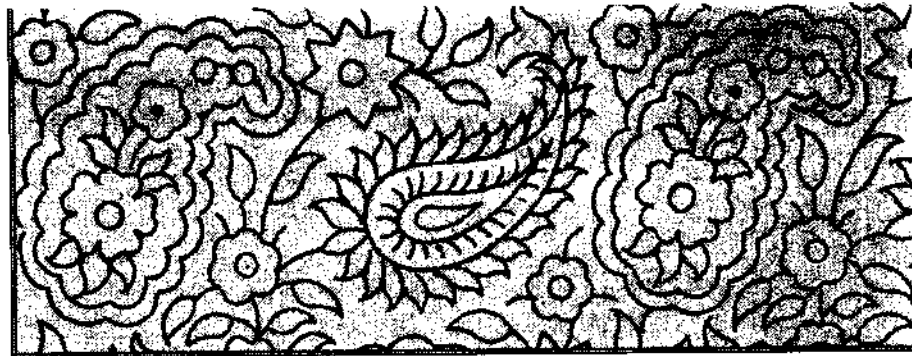


مطالعات تاریخ تطبیقی و کاربرد آن در آموزش تاریخ

دکتر عبدالرسول خیراندیش

مطالعات تطبیقی، مطالعاتی هستند که در موضوعی مشترک میان دو یا چند حوزه دانش بشری صورت می‌گیرند. در هر یک از علوم، مطالعات تطبیقی روش‌ها و عرصه‌های خاصی دارد و دست‌یابی به نتایجی معین را پی‌گیری می‌کند. در دانش تاریخ، مطالعات تطبیقی به معنای مطالعه در «زمان‌های متقارن تاریخی» است. این وجه تقارنی، همان «هم‌زمانی وقایع» است؛ منتها در عرصه‌های جغرافیایی متفاوت و موضوعاتی متنوع. به‌طور معمول، در همه نوشته‌های تاریخی، تطبیق‌های تقویمی، قدم اول مطالعات تاریخ تطبیقی به‌شمار می‌آید. زیرا در سراسر جهان، تقویم‌های متعددی رایج است که ضروری است هم‌زمانی عددی سال‌های آن‌ها برای شناخت جایگاه زمانی وقایع، مشخص شود. برای مثال، تقویم‌های مشهوری مانند هجری قمری، هجری شمسی و میلادی، سه نوع تقویم بسیار مشهور و متداول هستند. تقویم‌های دیگری مانند چینی، اسکندران و غیره نیز وجود دارند که گاهی بعضی از متون تاریخی براساس آن‌ها نوشته شده‌اند. برای آن‌که در هر تألیف تاریخی، نسبت وقایع ثبت شده براساس تقویم‌های گوناگون مشخص شود تا ترتیب و تقدم و تأخر و تقارن آن‌ها رعایت گردد، لازم است این تقویم‌ها با یکدیگر تطبیق داده شوند. برای سهولت انجام این کار که هم نیازمند دقت بسیار و هم صرف‌وقت فراوان است، کتاب‌های تطبیق تقویم متعددی نوشته شده‌اند. به‌طور کلی، تطبیق تقویم‌ها یکی از قدم‌های اولیه و ضروری در مطالعات تاریخ تطبیقی است و با وجود پیچیدگی‌های مطالعات نجومی، می‌توان آن را مطالعات تطبیقی بسیط نیز دانست، زیرا به‌طور کلی بر ریاضیات متکی و مبتنی است.

با بهره‌گیری از تطبیق تقویم‌ها، امکان مطالعه تطبیقی در «واقعه‌های تاریخی» فراهم می‌آید. از آن‌جا که وقایع‌نگاری، اساس تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود، دست‌یابی به تصویری جامع از وقایع هم‌زمان، به درک فضای کلی تحولات تاریخی کمک بسیاری می‌کند. ضرورت و اهمیت این نحوه از نگرش به تاریخ از آن‌روست که به‌طور معمول، در همه وقایع براساس اصل توالی و ترتیب زمانی و هم براساس قاعده علیت که مقتضی تقدم علت بر معلول است، «صورت طولی تاریخ» بیش‌تر مدنظر قرار می‌گیرد؛ آن‌چنان‌که درازنای تاریخ وجهی شناخته شده به‌شمار می‌آید. این صورت طولی تاریخ، بستر اصلی شکل‌گیری «روندهای تاریخی» است که جریان‌هایی مشخص از مقولات مطرح در سیر تاریخ محسوب می‌شوند. توجه و تأکید دائمی مورخان بدین صورت طولی و شناخت روندها، به‌طور معمول موجب غفلت از «صورت عرضی تاریخ» می‌شود که همانا وجه



با بهره‌گیری از تطبیق تقویم‌ها، امکان مطالعه تطبیقی در «واقع‌های تاریخی» فراهم می‌آید. از آن‌جا که وقایع نگاری، اساس تاریخ‌نگاری محسوب می‌شود، دست‌یابی به تصویری جامع از وقایع هم‌زمان، به درک فضای کلی تحولات تاریخی کمک بسیاری می‌کند

تقارنی آن است. وجه تقارنی تاریخ، وقایع هم‌زمان را بر یک محور عرضی به نمایش می‌گذارد. در چنین شرایطی، این امکان فراهم می‌آید که تفاوت‌ها، تشابه‌ها و میزان دوری و نزدیکی و به عبارت دیگر، کنش و واکنش وقایع در برهه‌ای معین از زمان مشخص و از این طریق، امکان استنتاج از کلیت و تمامیت تحولات یک دوره فراهم شود. فضای عمومی هر برهه از تاریخ، با دست‌یابی به طرحی تقارنی از وقایعی که در هر بررسی لازم است یک‌جا مطرح شوند، شرط اصلی مطالعات تطبیقی در تاریخ است. نظر به این‌که معروف چنان است که وقایع تاریخی همواره منفرد، بی‌نظیر، غیرقابل تکرار و فاقد قانون عام دانسته می‌شوند، مطالعات تطبیقی در تاریخ‌نگاری حداقل یک واقعه، یک وجه اشتراک قوی میان وقایع مطرح می‌سازد و آن «هم‌زمانی» آن‌هاست. در نتیجه، اگر با اشتراک در زمان واحد، دیگر ارکان تاریخ، یعنی مکان و علت متفاوت باشند، حداقل براساس همان هم‌زمانی، شرایط کافی برای تطبیق وقایع و استنتاج از آن فراهم می‌شود. در مطالعات تاریخ تطبیقی، اشتراک در مکان یا علت، شرط تطبیق نیست، بلکه فقط «زمان» عامل اساسی تطبیق به‌شمار می‌آید.

تجمع «زمان تقارنی تقویمی» با «وقایع متقارن» در یک طرح عمومی، زمینه‌ساز مطالعات تطبیقی ادوار تاریخی در یک برهه تاریخی معین اما بلندمدت را فراهم می‌کند. ادوار تاریخی با خصوصیات منحصر به فرد خود که از پی‌یکدیگر می‌آیند، با تجمع و تطبیق کلیه وقایع و عناصر سازنده آن‌ها شناسایی و نام‌گذاری می‌شوند؛ مانند دوره قرون وسطا و عصر رنسانس.

هر دوره تاریخی نیز دربردارنده یک روند (جریان) به عنوان بستر اصلی تحولات تاریخی است. شناسایی این روند (اصلی) و در متن قراردادن آن، براساس مطالعات تاریخ تطبیقی میان روندهای موازی با یکدیگر انجام می‌شود. مطالعات تاریخ تطبیقی در این مرحله بسیار مؤثر و گاه فریبنده جلوه‌گر می‌شوند. زیرا بسیاری علاقه‌مندند که یک روند مشخص مورد ادعا را به جوامع تاریخی هم‌زمان با آن تعمیم دهند. اگرچه تعمیم با استنباط از وقایع هم‌زمان که براساس مطالعات تاریخ تطبیقی صورت می‌گیرد، راه را برای استنتاج‌هایی جالب توجه باز می‌کند که بدان «تعمیم تجربی» می‌گویند - و توین بی، مورخ معروف انگلیسی، پیش‌تر بر همین قاعده نظریات خود را عرضه کرده است - اما تعمیم روندها بیش‌تر صورت ایدئولوژیک به‌خود می‌گیرد، مانند تفسیر ماتریالیستی از تاریخ ملت‌های شرق، طبق اندیشه استالینی. این نکته‌ای مشهور است که با وجود آن‌که مارکس بنیان‌گذار مکتب ماتریالیسم تاریخی، سیر تاریخی جوامع بشری را براساس تولید آسیایی دانسته بود، به مونیسم (تک‌خطی) که خاص سیر تاریخی جوامع اروپایی است (کمون اولیه، برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری ...) نظر داشت. اما استالین دستور داد برای زمینه‌سازی صدور انقلابات کمونیستی به ممالک شرقی، تاریخ آن‌ها براساس همان روند مورد ادعای ماتریالیسم دیالکتیک تاریخی صورت گیرد. بدین ترتیب، بدون آن‌که به واقعیات تاریخی توجه شود، برای جوامع شرقی نیز یک دوره گذر از برده‌داری به فئودالیسم، چنان‌که در تاریخ اروپا شناخته شده است، در نظر گرفته شد.



چنین رویکردی به تاریخ تطبیقی جهانی، در نظریاتی مانند اروپامحوری^۱ نیز دیده می‌شود. در دانش تاریخ، این نحوه از مطالعات تاریخی، با عنوان تاریخ عمومی^۲ شناخته می‌شود. تاریخ عمومی به عنوان یکی از متداول‌ترین انواع مطالعات تطبیقی تاریخی، چون می‌کوشد در یک برهه معین از تاریخ، سراسر جوامع پراکنده در کره زمین را در یک طرح مطالعاتی قرار دهد، صورتی جهانی^۳ به خود می‌گیرد. در این مرحله که پیش‌تر به قرن نوزدهم مربوط است استعمار اروپایی سراسر جهان را فراگرفته و ارتباطات (تلگراف، خط تلفن) نیز پیوند میان جوامع دور و نزدیک را بیشتر ساخته بود، مطالعات تاریخ تطبیقی، راهگشای جامعه‌شناسی تاریخی شد. زیرا مطالعات تطبیقی، از نوع تاریخ عمومی در دوره پس از انقلاب صنعتی، تفاوت آشکار میان جوامع در یک زمان را نشان می‌داد. دانش تاریخی قرن نوزدهم، بیشتر تمایل داشت که با تفسیر تاریخی و تکاملی از سیر جوامع بشری، تفاوت موجود میان آن‌ها در مقیاس جهانی را، حاصل سیر متفاوت تاریخ جوامع معرفی کند. این خود همان «جامعه‌شناسی تاریخی» است که هم‌زمانی جوامع ناهم‌اند از نظر توسعه و تکامل تاریخی را مطالعه می‌کند. اگرچه جامعه‌شناسی تاریخی با صورت عمومی تاریخ جهانی فرصت پدیدار شدن را یافته بود، می‌توان آن را نوعی «مطالعه تطبیقی بیرونی» نیز نامید. زیرا دستاوردهای جامعه‌شناسی تاریخی، در مورد سیر متفاوت جوامع انسانی به اجزای درونی جامعه مانند طبقات اجتماعی تسری داده شد. علاوه بر طبقات، خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها نیز مبنای مطالعات تطبیقی و آن هم از نوع جامعه‌شناسی تاریخی قرار گرفتند. از آن‌جا که در سیر عمومی تحول و تکامل جامعه بشری، قشرها و طبقات گوناگون هر یک سیر تاریخی خاص خود را داشته‌اند، آن‌چنان که تفاوت از یکدیگر بوده‌اند، لذا نوعی از جامعه‌شناسی تاریخی که می‌تواند بدان عنوان «مطالعات تطبیقی درونی» داد نیز به وجود آمد.

چنان‌که بخواهیم در سنت تاریخ‌نگاری ماقبل مدرن، مصداق‌ها و مثال‌هایی برای تاریخ تطبیقی بیابیم، یکی تاریخ جهانی (مطالعات تطبیقی بیرونی) است و دیگری تاریخ‌های محلی (مطالعات تطبیقی درونی)؛ چنان‌که در مطالعات متقدمین، مباحث مربوط به ادیان، فرق و مذاهب و نیز مطالعات حقوقی و گاه فقه‌الغیه، جزو مطالعات تطبیقی هستند. به همین نحو، تواریخ محلی که از اشکال قدیمی و رایج تاریخ‌نگاری است و مطالعات شهری^۴ و ناحیه‌ای^۵ را دربرمی‌گیرد، ماهیت تطبیقی دارد. زیرا همه تاریخ‌های محلی در یک بستر عمومی و مشترک، یعنی تاریخ ملی، موجودیت‌ها و معنا می‌یابد. در غیر این صورت، تاریخ محلی محسوب نمی‌شود و می‌تواند تاریخ ملی قلمداد گردد. فراهم آمدن تاریخ‌های محلی در یک گفتمان موسوم به تاریخ ملی، این امکان را فراهم می‌آورد که با داشتن حداقل یک اصل مشترک (تاریخ ملی) از جهات دیگر و احیاناً غیرمتشابه با یکدیگر، مقایسه و تطبیق داده شوند. به‌طور معمول، در چنین مطالعاتی، جغرافیا، زبان، فرهنگ و شاید قومیت و نیز وجوه خاص اقتصاد و معیشت مورد تأکید قرار می‌گیرد. صورت توسعه‌یافته چنین مطالعاتی (تاریخ‌های محلی) اعصار حکومت‌های متقارن در تاریخ کشورهاست و در اعصاری که دولت مرکزی تضعیف یا میان رقیبان تقسیم می‌شود، حکومت‌های متقارن (هم‌زمان) پا به عرصه وجود می‌گذارند.

در تاریخ ایران، فاصله قرن‌های سوم تا پنجم هجری، دوره حکومت‌های متقارن خوانده می‌شود که طی آن دولت‌های طاهری، صفاری، سامانی، بنی‌ساج و مانند آن‌ها پیدا شد. در ادامه همین دوره، ایلخانان پیدا شدند که خود به دیلمیان فارس، همدان و کرمان... تقسیم شدند. دولت قدرتمند و متمرکز سلسلجویان که پس از این دوره ظاهر شد نیز سرانجام به صورت

مطالعات تاریخ جهانی
همواره به نحوی آشکار،
دربردارنده تطبیق زمانی
(تقارن) میان کشورها و
تمدن‌ها هستند که هر
یک به حوزه جغرافیایی،
سیاسی و شاید فرهنگ
متفاوتی تعلق دارند

حکومت‌های متقارن سلجوقیان شام، سلجوقیان روم، سلجوقیان عراق، سلجوقیان خراسان و نیز اتابکان آذربایجان، اتابکان فارس و... شکل یافت. در فاصله سال‌های (۷۵۶-۷۳۶ هـ) که دولت متمرکز ایلخانان از بین رفت، برای بیست سال مدعیان مقام ایلخانی به جدال با هم پرداختند که به ایلخانان رقیب موسوم شدند. هر یک از آنان بخشی از ایالات ترک و مغول و یک یا چند ایالت را در اختیار داشتند. سرانجام، این شرایط به دوره ملوک‌الطوایفی قرن هشتم هجری منتهی شد که هم‌زمان دولت‌های آل‌اینجو، آل‌مظفر، سربداران، چوپانیان، جلایریان، ملوک نیمروز، آل‌کرت، اتابکان لریرگ، اتابکان کرچک، ملوک هرمز و... هر یک در گوشه‌ای حکومت یافتند. گویا عنصر اشکانیان در قالب یک امپراتوری، چنین شرایطی داشته که به عصر ملوک‌الطوایف موسوم شده است. در فاصله صفویه تا قاجاریه و نیز سراسر قرن نهم که دوره تیموریان و ترکمانان است نیز شاهد این وضعیت بوده‌ایم. در تاریخ کشورهای دیگر نیز چنین شرایطی را می‌توان دید.

در تاریخ هند اعصار وحدت کم است و در تاریخ چین در فاصله دولت‌های مقتدر متمرکز، اعصاری از سلسله‌های چندگانه وجود دارد. هزار سال از تاریخ آلمان (امپراتوری مقدس روم یا رایش اول) نیز چنین بوده است. چنان‌که متذکر شدم، وحدت جغرافیای ملی، اشتراکات فرهنگی و تاریخی، زبان و فرهنگ واحد و سرانجام حاکمیت ملی در مفهومی نظام‌یافته، در چنین شرایطی زایل نمی‌شود، بلکه فقط بحرانی در مرکزیت سیاسی - اداری عارض شده است.

هر چند تاریخ‌های محلی به صورت ماهوی از سنخ مطالعات تطبیقی هستند، اما کمتر از این منظر به آن‌ها نگریسته شده است. در عوض، مطالعات تاریخی جهانی همواره به نحوی آشکار، دربردارنده تطبیق زمانی (تقارن) میان کشورها و تمدن‌ها هستند که هر یک به حوزه جغرافیایی، سیاسی و شاید فرهنگ متفاوتی تعلق دارند. چنان‌که در سنت تاریخ حماسی ایرانیان، سروکار داشتن مدام با تورانیان موجب شده است تا بر محور و مدار تاریخ ایران، شرح مسووطی از تاریخ تورانیان نیز آورده شود. چنین رویکردی بر آن دسته از مورخان که گرایش‌های دینی قوی‌تری دارند، به صورت تطبیق تواریخ پادشاهان ایران با انبیا جلوه‌گر شده است. یک نمونه جالب از چنین تطبیق‌هایی، کتاب «تاریخ فرشته» است. این کتاب که در اصل تاریخ هندوستان است، آن را با پادشاهان و پهلوانان اساطیری و حماسی ایران تطبیق می‌دهد. جامع‌التواریخ، نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌اله همدانی، دربردارنده صورت بسیار دقیق و آگاهانه‌ای از تطبیق تاریخ دولت‌های مقارن با مغولان است. حتی در آن، می‌توان تطبیق تقویم‌های ترکی - مغولی یا هجری قمری را نیز مشاهده کرد. در میان متون تاریخی کهن، جامع‌التواریخ را می‌توان از بهترین موارد تاریخ‌های تطبیقی به‌شمار آورد. در خلال آثار ابوریحان بیرونی و مسعودی نیز می‌توان مطالعات تاریخی تطبیقی را سراغ گرفت.

در مجموع، درباره تاریخ تطبیقی از جنبه‌های نظری و روشی سخن بسیار می‌توان گفت و فایده‌های متعددی برای آن می‌توان برشمرد. آن‌چنان‌که از جمله مطالعات پیشرفته و سطح بالا در تحقیقات تاریخی، همین مطالعات تطبیقی است. با این حال، نظر به سودمندی و جذابیتهای که چنین مطالعاتی دارد، می‌توان ابعادی از آن را در آموزش تاریخ در دوره‌های گوناگون تحصیلی به‌کار گرفت. برای مثال، در همه سطوح آموزش تاریخ، مباحثی از روابط خارجی و مناسبات تمدنی وجود دارد. نیز اغلب تحولات تاریخی، حاصل به هم رسیدن

چند رشته از تحولات در عرصه‌های گوناگون یا سرزمین‌های متفاوت بوده است که بدون مقدمه‌چینی آن‌ها به صورت تطبیقی، امکان طرح و ارائه نخواهند داشت. چنین الزامات و مقدمات ناگزیری در تدوین محتوای آموزشی و ارائه درس برای دانش‌آموزان درس تاریخ را می‌توان با این واقعیت همراه دید که همواره این انگیزه و پرسش وجود دارد که هم‌زمان با یک سلسله یا واقعه یا یک شخصیت در تاریخ ایران (برای مثال) در فلان کشور یا دیگر کشورها، چه دوره، سلسله، واقعه، شخصی (فرمان‌روا) وجود داشته و چه شرایط تمدنی را از سر می‌گذرانده‌اند. برای مثال هم‌زمان با سلسله زندیه، در دیگر نقاط جهان چه خبر بوده است. انقلاب کبیر فرانسه، ریاست جمهوری جورج واشنگتن در ایالات متحده، انقلاب صنعتی در انگلستان و آغاز تحولات در عثمانی. به عنوان مثالی دیگر، هم‌زمان با اقدامات امیرکبیر در ایران، ژاپن هنوز وارد مرحله صنعتی نشده بود، در هندوستان علیه بریتانیا شورش شده بود، در مصر خاندان محمدعلی پاشا نوگرایی را مدنظر قرار داده بود و ایالات متحده به طرف غرب آمریکا در حال پیشروی بود و تعارض میان موافقان و مخالفان برده‌داری جریان داشت. صرف‌نظر از فایده‌های علمی و جذابیتهای که چنین رویکردی در آموزش تاریخ دارد، چون با تطبیق و قرینه‌سازی با تاریخ ایران همراه است، یادگیری آسان‌تر و پایدارتری را نیز به دنبال خواهد داشت.

پی‌نوشت

1. synchronism
2. Europe santerium
3. general history
4. global
5. urban
6. regional